

## سلام کودکانه

### دوست های خوبم سلام



سلام دوست جان های عزیزم، حال و احوال تون چگونه؟ این روزها که داریم به امتحان های آخر سال نزدیک می شیم که استرس و نگرانی ندارید؟ لابد با کلی هیجان داریم برای تابستون و کلاس هاش برنامه ریزی می کنید ولی مهربون های من لایه لای این همه فکر و خیال، یادتون نره از لطافت هوای اردیبهشتی که این روزها با بارون های بهویی دوست داشتنی تر شده، لذت ببرید. امیدوارم همیشه شاد و خندون باشید و در زندگی روزهای خوبی رو تجربه کنید.

📞 ۰۹۳۵۱۴۳۹۱۴۵۷۶ 📠 ۲۰۰۰۹۹۹

### از طرف شما

این عکس ما دانش آموزان پایه اول دبستان «ربابه اکبرزاده» است. معلم مهربون مون روز ولادت حضرت رقیه (س) به ما پیشنهاد کرد با وسایلی که دوست داریم به همسن و سال ها مون که توی سیل خونه و وسایل شون رو از دست دادن کمک کنیم. ما بچه های کلاس اول «گل نرگس» اسباب بازی ها و وسایل کاربردی و سالم مون رو به دوست های سیل زده در سراسر کشور هدیه می کنیم.



### کاردستی

#### تزئینات دکمه ای

تزئین خانه با دکمه های رنگی ریز و درشت، به گوشه گوشه خانه شما رنگ و لعاب و حس شادی می دهد، برای تزئین خانه با لوازم ساده و گاهی بی مصرف، تنها کافی است خلاقیت داشته باشید و ایده هایی فوق العاده. ایده از ما خلاقیت از شما.



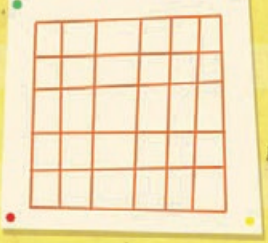
### شعر

#### معلم

#### عزیزم

- |   |                    |   |                         |   |                    |
|---|--------------------|---|-------------------------|---|--------------------|
| ۱ | دستای مهربونش      | ۳ | با این که گاهی خسته است | ۵ | تو اون فرشته ای که |
|   | قایق ماست تو دریا  |   | خم نمیداد به ابروش      |   | بالاشو جا گذاشته   |
|   | نصیحتای خوبش       |   | خدایده الهی             |   | جوونی شو به عمره   |
|   | چراغ راه فردا      |   | قوت و صبر و نیروش       |   | به پای ما گذاشته   |
| ۲ | درسای زندگی رو     | ۴ | روز شما مبارک           | ۶ | من می خونم درسامو  |
|   | یاد میده دونه دونه |   | معلم عزیزم              |   | تا خستگی در بره    |
|   | میشم حسابی دلتنگ   |   | کاش که می شد به پاهات   |   | فک می کنم تلاشم    |
|   | برای اون تو خونه   |   | گنج طلا ببرم            |   | از هدیه بهتره      |

شاعر: «سحر بهجو»



### قصه

#### مداد سبز کوچولو

مداد سبز کوچولو قل خورد تا نزدیک گوش پسرک. رفت نشست پشت گوشش مثل نجارها که مداد را پشت گوششان می گذارند. پسرک از خواب بیدار شد. یک چشم باز و یک چشم بسته. دستش را برد پشت گوشش و مداد را برداشت، گرفت توی دستش. مداد سبز کوچولو کف دست پسرک، شروع کرد به وول خوردن. پسرک لای چشم هایش باز کرد. یک نگاه به مداد سبز کوچولو انداخت و دوباره خودش را به خواب زد. معلوم بود که خواب نیست چون داشت زیر زیرکی می خندید. آن دورتر مداد نارنجی داشت دست تکان می داد. مداد نارنجی از همه مدادها قد بلندتر بود. فقط خورشید را رنگ می کرد. مداد سبز از همه کوچک تر بود. برگ درختان، چمن و... (به نظر شما یک مداد سبز چه چیزهای دیگری را می تواند رنگ بزند؟) مداد سبز کوچولو یادش آمد که یک بار پسرک رودخانه را سبز رنگ کرده بود و وقتی مامانش پرسیده بود چرا، گفته بود رودخانه پر از جلبک است. از این فکر خنده اش گرفت. همه می دانستند که پسرک مداد سبز کوچولو را خیلی دوست دارد، شاید برای همین او را فرستاده بودند تا پسرک را از خواب بیدار کند. مداد آبی از روی میز داد زد: «پس چه کار می کنی یک ساعته؟» مداد سبز کوچولو خودش را از کف دست پسرک انداخت روی پتو و رفت تا کنار انگشت شست پای پسرک. دوست داشت پتو را از روی پسرک پس بزند و بگوید بیا با هم نقاشی بکشیم. پسرک نوک انگشت خود را از پتو بیرون آورد و آن را تکان تکان داد. بقیه مدادرنگی ها که حوصله شان سر رفته بود، خودشان دست به کار شدند و آمدند پیش مداد سبز کوچولو. یک دفعه مامان در زد و بعد از یک ثانیه در را باز کرد و گفت: «پاشو دیگه پسرم.» بعد نزدیک شد، مدادرنگی ها را از روی تخت جمع کرد و گفت: «لطفاً مدادها را هم بود که مدادها را دیشب روی میز گذاشته بود؛ جایش نشست و با تعجب به مدادهای رنگی نگاه مامان، برای پسرک چشمک زد.



### ماز

#### تلفن آقای

#### هشت پا

دوستای خوبم  
به نظرتون  
جناب هشت پا  
تصمیم داره  
با کی تماس بگیره؟



### با من یاد بگیر

#### آموزش لغات انگلیسی

سبزم و قد بلندم  
نمک رو بردار بیار  
تشنگی رومی گیرم  
منم جناب خیار



خیار  
Cucumber

دونه های قرمز  
کنار هم قطاره  
میاد تو فصل پاییز  
اسمش چیه؟ انار



انار  
Pomegranate

شاعر: «سحر بهجو»